

گشت و کزاری در موسیقی سنتی ایران

بخش دوم



*** امروزه صوت بخشی از علم است که موسیقی را نیز دربر میگیرد**

*** ترانه های محلی به دلیل صمیمیت و سادگی مورد پسند همگان است**

استاد وزیری تبار جهت ادامه تحصیل موسیقی وراه یافتن نزد اساتید، در سال ۱۳۲۳ شمسی عازم تهران شدم پس از ترک منطقه فارس و عزیمت به مرکز جهت ادامه تحصیلات موسیقی با قبول عضویت در انجمن موسیقی ملی این فکر بیشتر در من تقویت گردید زیرا در آن زمان یعنی سال ۱۳۲۳ خورشیدی در آن انجمن، بخشی اختصاص به همین آهنگهای محلی داشت و مأمورینی به ولایات



اعضای ارکستر انجمن موسیقی ملی

ایران برای جمع آوری میرفتند و یا خوانندگانی در ارکستر انجمن شرکت مینمودند که کارشان محلی خوانی بود. بعنوان مثال برای ناحیه گیلان آقای مهندس عاشورپور و برای خراسان آقای احمد خواص و برای کردستان آقای یحیی معتمد وزیری که هر کدام دارای تحصیلات عالی بودند و بکار انجمن نیز رونقی خاص مبی بخشیدند و خود از شیفتگان این رشته از موسیقی بحساب می آمدند. طولی نکشید که با امتحانی که در حضور شادروان موسی معروفی و شادروان روح الله خالقی که عهده دار موسیقی رادیو بودند بعمل آمد و متعاقب آن هفته ای دوروز برنامه سلو ویلن داشتم که پس از گذشت بیش از ۶۱ سال هنوز نوار برنامه روز نخست را دارم. در این هنگام انجمن موسیقی ملی از من دعوت کرد برای نوازندگی در ارکستر، که بخشی از آن شامل ترانه های محلی میشد شرکت کنم. آهنگها پس از تنظیم بوسیله

روست که ترانه های محلی خوشایند همگان است. زیرا گذشته از اینکه ریشه عمیق دارد از دل و جان کسانی برآمده که دوران احتیاجات مادی بوده اند. مخصوصاً آنکه شور و عشق در بوجود آمدن آن دخالت تام داشته است. بنا بگفته تولستوی نویسنده معروف روسی در کتاب هنر چیست، گاه شنیدن یک آهنگ روستائی با اشعار محلی بسیار ساده، چنان تأثیری در شنونده باقی میگذارد که تماشا و شنیدن یک اپرا با آنهمه تزئینات و بازیگری و موسیقی تنظیم یافته، آن اثر ندارد.

باری درسین نوجوانی که از زادگاه خود شهرستان آباءه به همراه پدر، جهت ادامه تحصیل و پرورش ذوق در ادامه موسیقی که از سنین کودکی در جان و دلم ریشه دوانده بود به شیراز منتقل شدیم و بتدریج با نوازندگان متعددی که اغلب آهنگهای محلی را می نواختند و خوانندگانی با لهجه خاص آنرا همراهی میکردند ضبط سینه من میشد و همیشه بفکر آن بودم که آنها را بصورت نت کتابت کنم تا اینکه با مطالعه کتب استاد علینقی وزیری و فراگیری نت نزد معلم موسیقی وقت شادروان حسینعلی وزیری تبار و کمک دیگران این مهم انجام شد ولی به این قانع نمیشدم و مایل بودم بلکه وسیله فراهم گردد موسیقی محلی اقصی نقاط ایران را کتابت کنم. تا اینکه با تشویق



عاشورپور

صدای شُرْشَر آب و صدای جنبش باد
صدای غرش رعد و نفیر باد زیاد
صدای ریزش باران، صدای ریزش کوه
لهیب آتش تند و نهیب هرفریاد
صدای سُم ستوران تیز رو در دشت
صدای نغمه مرغ قفس، که شد آزاد
صدای رود و صدای خروش موج به بحر
صدای زمزمه در برگ شاخه شمشاد
صدای هرتپش دل درون سینه ما
صدای گریه آرام طفلک نوزاد
هر آنچه گفته شود از صدای تند و ضعیف
برای موسیقی ماست پایه و بنیاد
بدان که صوت بود بخشی از علوم جدید
بر این نمط بنوازد نوای خوش استاد
غذای روح بُود موسیقی، شریک شادی و غم
خدای را که بود باغ این شریک آباد

سیر تکاملی موسیقی و اشاره به آهنگهای محلی

از دورانهای بسیار دور که نوع انسان بالهام گیری از طبیعت در هر گوشه ای از زمین بنا به مقتضیات آب و هوا و اوضاع جغرافیائی به نغمات پی برد مانند صدای مرغان خوش الحان و یا عوامل دیگر مثل صوت ناشی از وزش باد بر نریزار یا صدای ناشی از رها شدن تیری از کمان که وتر، مرتعش میشود با استفاده از این اصوات بود که موسیقی بوجود آمد و بالذات بردن از این کشف جدید بپهره گیری از آن برای ابراز عواطف، جزء احتیاجات زندگی شد و مانند هزاران پدیده و الهامات دیگر، با اندیشه کنجکاو، رو به تکامل رفت. مثلاً از کوتاه و بلندی و وضامت گوناگون نی و یا بزرگی و کوچکی کمان، پی به بلند و کوتاهی صدا بردند و با تقلیدی از این اصوات آواز خواندن شروع شد. هر قدر اجتماعات رو بفزونی نها دینا بر حسب احتیاج این پدیده کاملتر گردید که هنوز نیز رو به تکامل است. شاهد عینی این مدعا اینکه در حال حاضر می بینیم موسیقی قبیله های دور افتاده چه از نظر محدودیت نغمات و چه از لحاظ وجود فواصل صوتی و زیروبم بودن آنها عقب مانده است (البته نسبت به اجتماعات وسیع تر). در عین حال ریشه هارا باید در همان واحدهای کوچک جستجو کرد که با اصطلاح موسیقی محلی نام گرفته است. اندیشمندان و متخصصین موسیقی بالهام گرفتن از این منابع است که به بسط دادن و توسعه می پردازند. از این